

بررسی مسأله اسراء با تأکید بر مقایسه دیدگاه المیزان و مفاتیح الغیب

عباس همامی^۱

چکیده:

بررسی مسأله اسراء با تأکید بر مقایسه میان دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی موضوع مقاله حاضر است. این مقاله می‌کوشد تا با بررسی آیات مرتبط با مسأله اسراء در سوره‌های «الاسراء» و «النجم» و مقایسه نظر این دو مفسر بزرگ، وجوه اشتراک و افتراق را دریابد و به جمع بندی مناسب برسد. در این راستا بررسی نظر مفسران دیگر نیز ضروری بوده که تا حلی بدان پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: اسراء، معراج، علامه طباطبایی، المیزان، فخر رازی، مفاتیح الغیب.

مقدمه

اختلاف میان یهود و مسلمانان درباره «المسجد الاقصى» و پیوند آن با مسأله اسراء، از مسائلی است که کمتر مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. سیر شبانه موسی (ع) که در ابتدای سوره «الاسراء» بدان اشاره می‌شود، مناسبت قرار گرفتن مسأله اسراء پیامبر اکرم (ص)، پیش از بحث از موسی (ع) و بنی اسرائیل را آشکار می‌سازد (ر.ک به: همامی، چهره زیبای قرآن، ۶۰ و ۶۱).

۱- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(نیمه وقت واحد تهران شمال و مدعو واحد علوم و تحقیقات)

از سوی دیگر ارتباط یا عدم ارتباط بحث آیه «و ما جعلنا الرؤيا التي اريناك» (الاسراء، ۶۰) با مسأله اسراء و اینکه اصولاً معراج پیامبر (ص) در بیداری بوده است یا خواب، نیاز به دقت نظر دارد. نیز یکی بودن یا نبودن اسراء مطرح شده در سوره «الاسراء» با مبحث معراج پیامبر (ص) در سوره «النجم» و به طور کلی زمان اسراء از مباحث مهم دیگری است که زمینه بحث دارد.

در این مقاله، ضمن بررسی الفاظ آیات مرتبط و روایات تفسیری و با مقایسه دیدگاه تفاسیر المیزان و مفاتیح الغیب، برخی از موارد فوق الذکر بررسی و نقد می‌شود.

اسراء در لغت

درباره ریشه فعل «أسرى» در آیه «سبحان الذي أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لئله لئره من آياتنا انه هو السميع البصير» (الاسراء، ۱) دو نظر وجود دارد:

۱- اشتقاق از ریشه «س ری» که بر این اساس معنی کلمه «أسرى» این است که سیر شبانه داد. با این معنی، کلمه «ليلاً» قیدی تأکیدی است نه احترازی.

۲- اشتقاق از ریشه «س رو» که بر این اساس، معنی کلمه «أسرى» این است که بالا برد. با این ترتیب، کلمه «ليلاً» قید احترازی (و حقیقی) خواهد بود.

نظر مشهورتر، قول نخست بوده که البته از جهتی راجح و به جهتی مرجوح است. راجح بودن آن، به دلیل استعمال بیشتر و مرجوح بودن به سبب اصل احترازی بودن قیود است.

راغب قول نخست را ترجیح می‌دهد (همو، ۴۰۸)، و فخررازی بدون اشاره به نظر دوم، برای پاسخ به اینکه چون فعل اسراء الزاماً در شب است، بنابراین قید «ليلاً» معنی ندارد، آوردن کلمه «ليلاً» به شکل نکره را برای اشاره به کوتاه بودن مدت اسراء در بخشی از شب می‌شمرد (همانجا، ۱۴۸/۲۰). علامه طباطبایی نیز اسراء را به معنی سیر شبانه دادن می‌شمرد و قید «ليلاً» را برای بیان این می‌داند که اسراء تنها در یک شب بوده و پیش از طلوع فجر پایان یافته است (همو، ۷/۱۳).

به نظر می‌رسد: مناسب این است که قید «ليلاً» را برای بیان عظمت مطلب و خارق‌العاده بودن بدانیم که با امکانات زمان پیامبر (ص)، چنین کاری برای دیگران محال بوده است.

اسراء در بیداری یا خواب

قول مشهور در این زمینه، اسراء پیامبر اکرم (ص) در بیداری است و مجموعه‌ی روایات نیز مؤید آن است.^۱

در مقابل برخی آنرا در خواب دانسته اند که صاحب مجمع البیان این قول را ظاهر البطلان می‌داند، چرا که در این صورت اسراء پیامبر (ص) معجزه نخواهد بود (طبرسی، ۳/۳۹۵). گذشته از این که اسراء در بیداری بوده _ که صحیح به نظر می‌رسد _ و یا اینکه در خواب اتفاق افتاده باشد، استدلال مرحوم طبرسی قابل خدشه است. یعنی اصولاً باید ثابت شود که طرح مسأله معراج در قرآن، به عنوان ذکر یک معجزه بوده است تا استدلال وی صحیح باشد. اما اگر بیان مسأله اسراء و معراج در مقام ذکر یک معجزه و تحدی نباشد، استدلال مذکور مقبول نخواهد بود.

فخر رازی نیز ضمن نقل نظر در خواب بودن اسراء و حکایت از عایشه و معاویه که اسراء تنها در مورد روح پیامبر (ص) بوده است نه جسم او^۲ (همو، ۲۰/۱۴۹)، خود نظریه هم جسمانی و هم روحانی بودن را می‌پذیرد (همان، ۱۵۳) و حتی به شکل مفصل بحثی را برای اثبات امکان سیر جسمانی از مکه تا بیت المقدس در طی یک شب مطرح می‌کند (همانجا، ۱۴۹ تا ۱۵۳).

علّامه طباطبایی ضمن نقل سه نظریه _ اولی هم جسمانی و هم روحانی بودن، دومی روحانی بودن و سومی جسمانی و روحانی بودن تا بیت المقدس و از آنجا تا آسمان‌ها روحانی بودن، _ ظاهر آیه و روایات و قرائن همراه با آن را به گونه ای می‌داند که هم جسمانی و هم روحانی بودن اسراء از مکه تا بیت المقدس غیر قابل انکار است، اما عروج

۱- صاحب مجمع البیان، روایات مربوط به معراج پیامبر (ص) را به چهار دسته تقسیم می‌کند و نمونه و نمونه‌هایی برمی‌شمرد:

الف- روایات قطعی الصدور به سبب تواتر

ب- روایات جایز از نظر عقل و سازگار با اصول اعتقادی

ج- روایات ناسازگار با اصول اعتقادی ولی قابل تأویل به شکلی موافق با عقل

د- روایات ظاهر البطلان که تأویل آن با تکلّف بسیار همراه است (طبرسی، ۳/۳۹۵ و ۳۹۶)

۲- جهت اطلاع بیشتر بنگرید به: طبری، ۹/۵۴۰۸ تا ۵۴۲۲

به آسمان‌ها فقط با روح _ نه جسم _ را نیز جایز می‌داند، البته نه عروج در خواب که کرامت و ارزش برای پیامبر (ص) به حساب نیاید (همو، ۳۲/۱۳ و ۳۳).
 به نظرمی‌رسد که بحث هم جسمانی هم روحانی بودن اسراء با آیات بعدی نیز مناسبت دارد. یعنی در آیه دوم بلافاصله سخن از موسی (ع) _ که نمونه ای دیگر از سیر شبانه است^۱ _ مطرح می‌شود.

ارتباط یا عدم ارتباط اسراء با آیه ۶۰ سورة الاسراء

یکی از آیاتی که برخی احتمال ارتباط آن بامسأله اسراء پیامبر(ص) را مطرح نموده‌اند، آیه ۶۰ سورة الاسراء است: «و اذقلنا لك ان ربك احاط بالناس و ماجعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنه للناس و الشجرة الملعونة في القرآن و نخوقهم فما يزيدهم الا طغياناً كبيراً».

مجمع البيان در این زمینه سه نظریه مطرح می‌کند:

- ۱- اینکه رؤیا به معنی دیدن با چشم باشد. این نظر از نظر جمعی همچون ابن عباس و سعید بن جبیر نقل شده است.
- ۲- رؤیا به معنی خواب و مربوط به مسأله صلح حدیبیه باشد. این نیز از ابن عباس نقل گردیده است.
- ۳- رؤیا به معنی خواب و پیشگویی درباره غصب خلافت توسط بنی امیه باشد (طبرسی، ۴۲۴/۳).
 فخررازی رؤیا را به معنی دیدن در بیداری می‌داند^۲ و این آیه را مرتبط با مسأله اسراء می‌شمرد (رازی، ۱۵۴/۲۰ و ۲۳۹).

۱- بحث سیر شبانه‌ی موسی (ع) حداقل در دو مرحله وجود دارد:

الف- سیر شبانه از مدین به سوی مصر (طه، ۱۰؛ القصص، ۲۹)

ب- سیر شبانه با بنی اسرائیل برای فرار از فرعون (طه، ۷۷؛ الشعراء، ۵۲؛ الذخآن، ۲۳)

حال اگر فرار موسی (ع) از مصر (القصص، ۲۱) یا شروع میقات وی (الاعراف، ۱۴۲) شبانه بوده باشد، تعداد سیر شبانه وی بیشتر خواهد بود.

۱- وی سه قول دیگر نیز نقل می‌کند:

الف- خواب پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر مبنی بر پیروزی بر فریض

ب- خواب پیامبر (ص) مبنی بر ورود به مکه پس از صلح حدیبیه

ج- خواب پیامبر (ص) مبنی بر بالا رفتن بنی امیه از منبر او (رازی، ۲۳۸/۲۰ و ۲۳۹)

درمقابل علامه طباطبایی رؤیا را به معنی خواب دانسته و منکر ارتباط آیه با مسأله اسراء است. وی استدلال‌های نقل شده در این مورد را باطل می‌شمرد و این مطلب را که رؤیا مصدر و به معنی دیدن استعمال شده باشد، رد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۱/۱۳ و ۱۴۱). البته در این مطلب که استعمال رؤیا به معنی خواب رایج و مشهور است، شکی وجود ندارد، ولی اینکه به معنی دیدن بکار نرفته باشد، قطعی نیست و برای استعمال آن، شواهدی در کتب لغت ذکر شده است (بنگرید به: خوری شرتونی، ۱/۳۸۰؛ زبیدی، ۴/۱۳۹؛ ابن منظور، ۸/۸۸۱)، لذا به نظر می‌رسد که ارتباط دادن آیه به مسأله اسراء بی اشکال باشد، اگرچه لحاظ معنی رایج راجح است.

تناسب بحث معراج در سوره‌های الاسراء و النجم

از نکات مهمی که در تفاوت بیان قرآن درباره معراج پیامبر(ص) در سوره‌های الاسراء و النجم وجود دارد و متأسفانه کمتر بدان دقت شده است، بحث تناسب مبحث در هر سوره با سایر مباحث آن سوره است.^۱ به شکل خلاصه می‌توان گفت:

۱- در سوره الاسراء مبدأ و مقصد سیر مشخص شده است. مبدأ «المسجد الحرام» یعنی قبله دوم مسلمانان _ و مورد جدال یهود با آنان پس از تحویل قبله _ و مقصد «المسجد الاقصی» یعنی قلب سرزمین مقدس وعده داده شده به بنی اسرائیل است.^۲ ولی در آیات سوره النجم این مبدأ و مقصد ذکر نمی‌گردد.

تفاوت در این است که در سوره الاسراء، بحث مفصلی با بنی اسرائیل مطرح می‌شود (آیات ۲ تا ۸ و ۱۰۱ تا ۱۰۴)، ولی در سوره النجم فقط در یک آیه _ آن هم به عنوان جزئی فرعی در کنار مطلب اصلی _ تنها به کتاب موسی (ع) اشاره شده است.

۲- در آیه نخست سوره الاسراء با استعمال کلمه «لیلاً» شبانه بودن معراج مطرح گردیده است،^۳ ولی در سوره النجم به این مسأله اشاره نمی‌شود.

۱- جهت اطلاع بیشتر بنگرید به: همای، چهره زیبای قرآن، ۵۴ تا ۶۱

۲- یا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله لكم (المائدة، ۲۱)

۳- در ابتدای این مقاله، درباره معنی اسراء و احتمالات مطرح شده به تفصیل سخن گفتیم.

تفاوت در این است که به دلیل طرح شدن بلافاصله مسئله اعطای کتاب به موسی (ع) در آیه دوم سوره الاسراء که سیر شبانه و انتخاب وی به پیامبری مقدمه آن است، با آیه نخست که در آن از سیر شبانه پیامبر (ص) و نشان داده شدن آیات الهی به ایشان سخن می‌رود، مناسبت وجود دارد، اما در آیات مجاور با آیات مربوط مسئله معراج در سوره النجم چنین مناسبتی وجود ندارد.

فخر رازی درباره مناسبت آیات بعد با آیه نخست سوره الاسراء، تنها به این مسأله بسنده می‌کند که در آیه نخست از اکرام پیامبر (ص) به سبب اسراء ذکر شده است و در آیه دوم اکرام موسی (ع) به واسطه دادن کتاب ذکر می‌شود. (رازی، ۱۵۵/۲۰).

علامه طباطبایی آیات دوم تا هشتم سوره الاسراء را مثالی عینی برای بیان سنّت الهی عامّ ارائه هدایت و اعطای پاداش به مطیع و کفردادن عاصی می‌داند. ایشان هفت آیه دوم تا هشتم این سوره را مانند عبارت معترضه‌ای میان آیات یکم و نهم می‌شمرد که گویا مقدمه‌ای برای بیان جریان سنّت عامّ الهی مذکور در امت اسلام است (طباطبایی، ۳۵/۱۳ و ۳۶).

مکی یا مدنی بودن

علامه طباطبایی آیات مربوط به اسراء را مکی می‌داند (طباطبایی، ۵/۱۳ و ۲۶/۱۹). فخر رازی نیز با مکی بودن این آیات مخالفتی ندارد (رازی، ۱۴۷/۲۰).

به نظر نگارنده و با توجه به آنچه درباره تناسب آیات گفته شد، مدنی بودن این آیات مناسبتی به نظر می‌رسد. یعنی مفهوم آیات ابتدای سوره الاسراء به گونه‌ای است که گویا در مقام احتجاج با بنی اسرائیل و در مدینه نازل شده است. این مسأله با روایات نزول همخوانی ندارد (نک: سیوطی، ۲۵۶/۴)، ولی می‌توان چنین فرض کرد که یا آیات دوبار هم در مکه و هم در مدینه نازل شده باشد و یا اینکه در مکه نازل گردیده و در مدینه بار دیگر بر مردم تلاوت شده است.

یکی بودن یا نبودن مبحث دو سوره

علامه طباطبایی آیات یکم تا هجدهم سوره النجم را مربوط به مسئله معراج پیامبر (ص) که در آیه نخست سوره الاسراء بدان اشاره شده است، می‌داند (همو، ۷/۱۳ و ۲۶/۱۹). فخر رازی نیز این مسأله را منتفی نمی‌داند (رازی، ۲۹۲/۲۸).

به نظر نگارنده، هیچ الزامی نیست که بحث معراج پیامبر (ص) در هر دو سوره را کاملاً یکی بدانیم، چرا که درسوره النجم از دو نزول و رؤیت جبریل سخن گفته می‌شود: «و لقد راه نزلة اخرى عند سدرة المنتهى» (النجم، ۱۳ و ۱۴) و همانگونه که علامه طباطبایی خود فرموده است: این دو نزول بوده و قول رایج این است که ضمیر فاعلی در «راه» به پیامبر (ص) و ضمیر مفعولی به جبریل بازگردد، اگرچه امکان ارجاع ضمیر مفعولی به خداوند وجود دارد که در این صورت باید رؤیت را رؤیت قلبی دانست. (طباطبایی، ۳۱/۱۹). با توجه به احتمال ارجاع ضمیر مفعولی به خداوند _ که علامه آن را صحیح می‌داند، _ تنها یک واقعه معراج است که دوررؤیت در آن صورت گرفته باشد، اما ظاهر آیه بیشتر با رجوع ضمیر مفعولی به جبریل سازگار است. بنابراین لزومی ندارد که آیات ابتدای سوره النجم کاملاً در مقام بیان اجمال آیه نخست سوره الاسراء باشد و با فرض پذیرش انطباق، می‌توان آن را فی الجمله دانست؛ یعنی بخشی از داستان مطرح شده درسوره النجم، در مقام بیان اجمال اسراء مطرح شده درنخستین آیه سوره الاسراء باشد نه همه آن.

از سوی دیگر می‌توان آیه نخست سوره الاسراء را مدنی دانست و کلمات «من» و «الی» را برای بیان شروع و پایان اسراء ندانست و تنها برای تبیین میزان سیر فرض کرد و سیر را از مدینه به مکه و از مکه به ارض مقدسه و از آنجا بازگشت به مدینه در نظر گرفت و آوردن «المسجد الحرام» و «المسجد الاقصى» و عدم ذکر مدینه را به دلیل اهمیت این دو مکان _ چه از نظر قرآن و چه از جهت مخالفین یعنی مشرکین و یهود _ دانست. البته طبیعی است که احتمال مشهور را راجح بدانیم چرا که ظاهر مجموعه روایات نیز مؤید آن است (ر.ک به: سیوطی، ۲۵۸/۴ تا ۲۹۴؛ حویزی، ۱۱۶/۴ تا ۱۴۹).

نتایج مقاله

- ۱- اسراء الزاماً در بیداری نبوده است، اگرچه ظواهر ادله، انجام آن در بیداری را تأیید می‌کند.
- ۲- عروج پیامبر (ص) لزوماً با جسم نبوده، اگرچه معراج جسمانی و روحانی ایشان بدون اشکال است و ظواهر هم آن را تأیید می‌کند.
- ۳- احتمال ارتباط آیه ۶۰ سوره الاسراء با مسأله معراج منتفی نیست، اگرچه گواهی جدی برای آن وجود ندارد.

- ۴- با لحاظ بحث تناسب، دلیل بیان مبدأ و مقصد معراج پیامبر(ص) در ابتدای سوره الاسراء و عدم ذکر آن در سوره النجم _ با وجود مفصل تر بودن _ مشخص می‌شود.
- ۵- تمام مباحث مطرح شده در هجده آیه نخست سوره النجم، الزاماً تبیین اجمال آیه نخست سوره الاسراء نیست و می‌تواند بخشی از این هجده آیه، برای بیان مبحثی دیگر باشد.
- ۶- احتمال مدنی بودن آیه نخست سوره الاسراء منتفی نیست، اگرچه روایاتی در تأیید مکی بودن آن وجود دارد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، داراحیاء التّراث العربی، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۱۶ ق.
- ۳- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مؤسسه التّاریخ العربی، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۲۲ ق.
- ۴- خوری شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۵- رازی، فخرالدین محمد، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، چاپ نخست، ۱۴۱۶ ق.
- ۷- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارمکتبه الحیة، بیروت، افسست چاپ نخست، ۱۳۰۶ ق.
- ۸- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۲۱ ق.
- ۹- طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مطبوعاتی اسماعیلیان، افسست چاپ نخست، ۱۳۹۳ ق.
- ۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالفکر، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۲۱ ق.
- ۱۲- همای، عباس، چهره زیبای قرآن، انتشارات بصائر، اصفهان، چاپ نخست، ۱۳۷۵ ش.